

صلاة الاضلاع



دانشگاه خوارزمی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل

پایان نامه برای کارشناسی ارشد در رشته روابط بین الملل

عنوان :

تحولات مصر (ژانویه ۲۰۱۱) و تأثیر آن بر امنیت اسرائیل

استاد راهنما :

دکتر محمد ولی مدرس

استاد مشاور :

دکتر ارسلان قربانی شیخ نشین

دانشجو :

سمانه قربانیپور

اسفند ۱۳۹۱

سپاس یگانه‌ای که آموختن آموخت تا از آموخته‌هایمان راز آفرینش را فراگیریم.

تقدیم به:

پدر و مادرم، که دعاهای بی دریغشان را بدرقه راه زندگی ام کردند

استاد مهربانم، دکتر مدرس برای همه حمایت‌های دلسوزانه اش

همسرم، که همواره در راه تدوین این اثر یاریگر و پشتیبانم بوده است

چکیده

مصر یکی از مهمترین کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است. این کشور دارای موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی است که داشتن مرزهای مشترک طولانی با اسرائیل اهمیت آن را دوچندان نموده است. مصر با انعقاد پیمان کمپ دیوید، اسرائیل را از حصار انزوای اعراب خارج کرد و سایر کشورهای عرب نیز به پیروی از مصر به برقراری ارتباط با اسرائیل پرداختند. اما با تحولاتی که در کشورهای عربی و بلاخص مصر به وقوع پیوست، اوضاع به گونه ای دیگر رقم خورد.

حسنی مبارک که سالیان متمادی مهم ترین متحد اسرائیل بود سقوط کرد و تحولات پس از سقوط او، اسرائیل را دچار مشکلات فراوانی نمود. تحولاتی نظیر: سوزاندن پرچم اسرائیل و تسخیر سفارت آن، اخراج سفیر این رژیم از مصر، قطع گاز صادراتی مصر به اسرائیل، بازگشایی گذرگاه رفح و قدرت یابی هسته مقاومت در سرزمین های اشغالی که آرامش را از سردمداران اسرائیلی سلب کرده است، اسرائیل را با چالش های امنیتی فراوانی روبرو کرد. پژوهش پیش رو در نظر دارد به بررسی اوضاع امنیتی اسرائیل پس از تحولات مصر و سقوط مبارک بپردازد و اینکه اسرائیل، در پی قیام مردمی مصر متحمل چه آسیب هایی شده است. پرسش اساسی پژوهش پیش رو این است که تحولات مصر (ژانویه ۲۰۱۱) چه تأثیری بر امنیت اسرائیل خواهد داشت؟ بر همین اساس فرضیه اصلی پژوهش به این موضوع می پردازد که تحولات مصر امنیت اسرائیل را دچار آسیب های فراوانی کرده است.

واژگان کلیدی: مصر، ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک، خاورمیانه، شمال آفریقا، کمپ دیوید، اسرائیل

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۱	بیان مسئله :
۵	چهار چوب مفهومی:
۷	علل انتخاب موضوع و اهمیت موضوع:
۸	اهداف کلی پژوهش:
۱۰	سوال اصلی پژوهش:
۱۰	فرضیه تحقیق :
۱۰	متغیرهای پژوهش:
۱۰	روش تحقیق:
۸	پیشینه تحقیق:
۱۰	محدودیت تحقیق:
۱۱	سازماندهی تحقیق:
۱۲	فصل اول : اهمیت ژئوپلیتیک مصر
۱۳	وضعیت سرزمینی مصر
۱۳	(۱) موقعیت جغرافیایی
۱۵	(۲) وسعت کشور
۱۷	(۳) منابع انرژی کشور
۱۸	وضعیت سیاسی مصر

۱۸پیشینه تاریخی
۱۸الف)از ابتدا تا زمان استقلال
۲۰ب)از زمان استقلال تا کنون
۲۲۲)ساختار سیاسی ونهادهای حکومتی
۲۲الف)قوه مجریه
۲۳ب)قوه مقننه
۲۴ج)قوه قضائیه
۲۵۳)احزاب سیاسی
۲۵اهمیت مصر در تحلیل های جغرافیای سیاسی
۳۰ب)پل ارتباطی آفریقا، اروپا، آسیا
۳۱۲)در جهان عرب
۳۲ب)رهبری جنبش پان عربسیم در دهه ی ۱۹۶۰
۳۴۳)در جهان اسلام
۳۴الف)پیشینه تمدنی دیرپای مصر
۳۵ب)حضور جنبش بزرگ اخوان المسلمین
۳۷ج)نقش آفرینی بزرگ جامعه الازهر
۴۰فصل دوم : مناسبات میان مصر و اسرائیل
۴۱زمانبندی روابط مصر و اسرائیل از سال ۱۹۴۸-۲۰۱۱
۴۱الف)دوره زمانی اول (دوره تخاصم) ۱۹۴۸-۱۹۷۷
۴۴ب)دوره زمانی دوم (دوره ی شروع روابط) ۱۹۷۷ - ۱۹۹۴
۴۶الف)پیامدهای صلح برای اسرائیل:

۴۷(ب) پیامدهای صلح برای مصر:
۵۲ بررسی وضعیت پروژه کوئیز
جدول شماره یک:	مبادلات تجاری میان مصرواسرائیل (بدون نفت و گاز) براساس گزارش اداره آمار
۵۳ اسرائیل به میلیون دلار
جدول شماره دو:	اهم واردات مصر از اسرائیل در سالهای ۲۰۰۵ - ۲۰۰۴ (بدون نفت و گاز) بر اساس
۵۴ گزارش اداره آمار اسرائیل به میلیون دلار
۵۶ صادرات گاز مصر به اسرائیل
۵۸ دوره زمانی چهارم (همکاری و همبستگی) ۲۰۱۱-۲۰۰۶
۶۰ دلایل اهمیت به قرار زیر است:
۶۳ فصل سوم : اسرائیل و قیام مردمی مصر
۶۵ الف) اوضاع امنیتی اسرائیل از آغاز تشکیل در ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۹
۶۷ ب) اوضاع امنیتی اسرائیل از امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۹ تا سقوط مبارک در ۲۰۱۱
۷۰ ج) اوضاع امنیتی اسرائیل پس از سقوط مبارک تا زمان حال
۷۵ اسرائیل و زیانهای ناشی از تحولات مصر
۷۸ فصل چهارم : تحولات اخیر مصر و تأثیر آن بر امنیت انرژی اسرائیل
78 بررسی وضعیت انرژی اسرائیل
۸۲ منابع در دسترس برای تأمین گاز اسرائیل
۸۳ الف) ذخایر دریایی داخلی و منطقه‌ای
۸۳ ذخایر داخلی جدید در آبهای عمیق
۸۳ گاز غزه
۸۴ گاز خاورمیانه

۸۴(ب) منابع خارجی احتمالی دیگر
۸۴گاز طبیعی روسیه و آسیای میانه:
۸۵گاز طبیعی خلیج فارس
۸۵قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل
۸۹تحلیل و بررسی قطع صادرات گاز به اسرائیل
۹۴نتیجه گیری
۱۱۳منابع فارسی:
۱۱۴کتب:
۱۱۶مقالات:
۱۲۱پایان نامه ها:
۱۲۱سایت ها:
۱۲۱منابع لاتین:
۱۲۲مقالات :
۱۲۴سایت ها:

بیان مسئله :

شروع نا آرامی‌ها در جهان عرب که در ایران به بیداری اسلامی و در سایر کشورها به بهار عربی ، زمستان عربی و نام‌های بی شمار دیگری معروف است در پی خود سوزی محمد بوعزیزی یک جوان تونسی در اعتراض به فساد و بد رفتاری پلیس تونس در هفدهم دسامبر ۲۰۱۰ آغاز شد و به دلیل موفقیت اعتراضات و وجود شرایط مشابه در سایر کشورهای منطقه به زنجیره‌ای از اعتراضات و شورش‌ها در مصر ، یمن ، بحرین ، لیبی ، عربستان ، الجزایر ، اردن و در مقیاسی کوچک تر در برخی دیگر از کشورهای عرب کشیده شد .

این ناآرامی ها ، ماه ها و روزهای متوالی صفحه اول همه روزنامه‌های جهان را به خود اختصاص داده بود و تشویش و نگرانی فزاینده‌ای را در دل سردمداران قدرت‌های بزرگ که در این منطقه از جهان به فکر منافع سودآور خود بودند ایجاد کرد . بطوریکه شاهد تلاش‌های بی شماری از سوی محافل قدرت‌های بزرگ در رصد این تحولات و استفاده هر چه بیشتر از آن به نفع خود بودیم . این تلاش‌ها نشان دهنده این بود که به چه میزان برخی از این کشورهای انقلابی در استراتژی ابرقدرت ها با اهمیت بوده بطوریکه هر گزینه‌ای را از رایزنی‌های سیاسی ، کمک‌های مالی تا حمله نظامی مد نظر خود قرار داده بودند . شاید اصلاحات و تغییرات اساسی که شایسته نام بهار عربی باشد در این کشورها رخ نداده است اما آنچه اهمیت دارد بیداری افکار عمومی در کشورهای انقلابی است . افکاری که دیگر ظلم ، فساد ، استثمار ، بیگانه پرستی و ... را بر نمی تاباند .

بی شک سردمداران جدید این کشورها واقف به این امر خواهند بود که تصمیم سازی ها دیگر با توجه به محیط خارجی شکل نخواهد گرفت ، محیط داخلی نیز بیدار گشته و نادیده گرفتن خود را هرگز نخواهد پذیرفت .

شروع این اعتراضات و نا آرامی‌ها از تونس بوده است این اعتراضات چشمگیر ترین موج نا آرامی‌ها سیاسی و اجتماعی تونس طی سه دهه‌ی اخیر محسوب می‌شود که در پی آن حکومت تونس در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ با فرار زین العابدین بن علی رئیس‌جمهور تونس به عربستان سعودی سقوط کرد . در لیبی نیز اعتراضاتی که از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد در روز ۱۷ فوریه (روز خشم) به اوج خود رسید . پس از درگیری‌های فراوان که به کشته شدن شمار زیادی از مخالفین انجامید شورای امنیت سازمان ملل بخش پرواز ممنوع را بر فراز لیبی برقرار کرد و انجام اقدامات لازم برای حفاظت از جان شهروندان را به تصویب رسانید در لیبی با تصرف شهرهایی که در اختیار نیروهای قذافی بودند حکومت چندین ساله قذافی با کشته شدنش در درگیری‌های شهر سرت به پایان خود رسید . در سایر کشورهای منطقه خاورمیانه نظیر یمن ، بحرین ، عربستان ، کویت ، عمان . . . هم شاهد اعتراضات گسترده‌ی مردمی بودیم اعتراضات مردم در اواسط ژانویه ۲۰۱۱ در یمن پس از ماه‌ها فراز و نشیب به استعفای علی عبدالله صالح انجامید هر چند که قدرت‌ش به معاونش واگذار شد . تظاهراتی که در بحرین و عربستان نیز با هدف کسب آزادی سیاسی بیشتر و احترام به حقوق بشر آغاز شده بود کماکان ادامه دارد بطوریکه شاهد اعتراضات مختلفی در شهرهای گوناگون این کشورها هستیم .

در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مصر به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و استراتژیکی و هم چنین پیشینه تمدنی و اسلامی آن و هم چنین بدلیل هم مرز بودن با اسرائیل جایگاه مهمی در میان کشورهای این منطقه داراست . مصر در دوران جمال عبدالناصر سردمدار ناسیونالیسم عرب بوده که با شعار «اسرائیل را به دریا خواهیم ریخت» در ائتلاف با سایر اعراب ، جنگ‌هایی را علیه اسرائیل ترتیب داده بود اما در میانه دوران زمامداری سادات شاهد چرخش سیاست خارجی مصر به سمت برقراری ارتباط با اسرائیل هستیم .

مصر نخستین کشوری بود که با اسرائیل وارد مصالحه شده و با امضای قرار داد صلح محیط استراتژیک امنی را برای این رژیم رقم زد . مصر با امضای پیمان صلح کمپ دیوید باعث ورود اسرائیل به ژئوپلیتیک خاورمیانه شد ، ورودی که با خود عواقب شومی را به همراه داشت . که هنوز هم شاهد آن هستیم . بی تردید مصر کشوری با اهمیت ژئواستراتژیک در جهان عرب و اسلام است که در بسیاری از موارد هم چون الگویی برای سایر کشورهای منطقه عمل کرده است . اهمیت و پیشگامی این کشور هم در باب عینی است یعنی موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئوپلیتیکی و هم در باب ذهنی است یعنی مصر به عنوان مرکز ثقل اندیشه‌های سیاسی و مذهبی و خیزش‌های اسلامی به رهبری گروه‌های اسلامی و اصلاح طلب در جهان عرب محسوب می‌شود و از سوی دیگر همانطور که قبلتر گفته شد مهد اصلی ظهور ناسیونالیسم عربی به رهبری جمال عبدالناصر در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و در مقطعی جولانگاه اصلی مبارزه با اسرائیل و حمایت از مبارزات ضد صهیونیستی جنبش‌های مقاومت مردم فلسطین بوده است .

از سوی دیگر منطقه شمال آفریقا و خاورمیانه و مصر به دلیل هم مرز شدن با اسرائیل مکمل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک امریکاست که تا دهه‌های متوالی غیر قابل جایگزین خواهد بود همه این عوامل نقش مصر را در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بر جسته تر می‌کند بطوریکه انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ مصر و سقوط مبارک نگرانی عظیمی را در میان سردمداران قدرت‌های بزرگ و رژیم اسرائیل بوجود آورد .

اولین جرقه‌ی بهار عربی در مصر در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی با تظاهرات شهروندان مصری در مقابل سفارت تونس که برای حمایت از انقلاب تونس بود آغاز شد . اما با فراگیر شدن اعتراضات مردمی مبارک در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ ، مبارک از قدرت کناره گیری کرد و عمر سلیمان را رسماً بعنوان نخست وزیر مصر منصوب کرد . پس از ادامه بحران و عدم توانایی دولت در کنترل مخالفین در تاریخ ۱ فوریه ۲۰۱۱ ارتش مصر رسماً اعلام بی طرفی نمود .

به باور بسیاری از تحلیلگران این امر در واقع مقدمات سقوط حسنی مبارک ، دیکتاتور مصر تلقی می‌شده است سرانجام پس از روزها کشمکش و اعتراضات خیابانی حسنی مبارک به همراه همسر خود به سمت محلی نا معلوم رفت . پس از استعفای حسنی مبارک و فرار وی اداره امور مصر به ارتش واگذار شد و در نهایت حسنی مبارک به دلیل عدم توقف کشتارها در طی ۶ روز اول اعتراضات مصر در سال ۲۰۱۱ به حبس ابد محکوم شد و در پی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در مصر ، محمد مرسی بعنوان اولین رئیس جمهور مصر از انتخابات دموکراتیک در برابر قضاات دادگاه عالی قانون اساسی سوگند یاد کرد .

تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ واقیعت‌های استراتژیک منطقه‌ای را تغییر و شرایط امنیتی جدیدی را برای بازیگران منطقه‌ای و قدرتهای بزرگ در خاورمیانه و شمال آفریقا رقم زده است . در میان بازیگران منطقه ای ، اسرائیل نگرانی‌ها و حساسیت‌های بسیاری را نسبت به تحولات منطقه از خود نشان داده است . اسرائیل از زمان تأسیس با چالش‌های امنیتی مهم و جدی روبرو بوده و امنیت ، اصلی ترین دغدغه رهبران این رژیم و قدرتهای حامی آن را تشکیل می‌دهد . جنگ با کشورهای عربی ، هزینه‌های زیادی را بر امنیت اسرائیل تحمیل کرد اما پس از عدم موفقیت کشورهای عربی در مقابله با اسرائیل و پیگیری روند صلح و سازش هزینه‌های امنیتی آن کاهش یافت . با انعقاد پیمان صلح بین اسرائیل و مصر و بعد از آن اردن ، اسرائیل فرصت زیادی برای تقویت مبانی امنیتی خود و برخورد جدی تر با دیگر تهدیدهای امنیتی پیدا کرد . اما آغاز تحولات در جهان عرب و بلاخص مصر ، که شریک راهبردی اسرائیل بود ، دگرگونی‌های عمیقی را در محیط امنیتی اسرائیل بوجود آورد .

این تحولات آغازگر مرحله نوینی در حیات سیاسی-امنیتی و اقتصادی - اجتماعی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بود که چالشها و تهدیدها و علاوه بر آن فرصتهایی را نیز برای امنیت اسرائیل به همراه داشت . در پژوهش پیش رو امنیت اسرائیل متأثر از تحولات مصر در ابعاد سیاسی ، نظامی ، اقتصادی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت .

برای درک روشن و شفاف از مباحث پیش رو لازم است در آغاز چهارچوبی مفهومی مطرح شود و سپس به رصد تحولات عرصه سیاسی مصر و تأثیرات آن بر امنیت اسرائیل براساس چهارچوب مورد نظر پرداخته شود .

چهارچوب مفهومی :

امنیت از نیازهای اولیه و اساسی انسان به شمار می‌رود ، به همین دلیل است که این مفهوم در کانون مطالعات سیاسی و بین‌المللی قرار گرفته است .

مفهوم امنیت ، تعریف ، موضوع و مرجع آن در رویکردهای نظری متفاوت به اشکال مختلف بررسی شده است . در مباحث امنیتی ، تسلط رویکرد واقع‌گرایی در شکل کلاسیک و سپس جدید خود انکارناپذیر است . این تسلط در قالب گفتمان دولت محوری ، اهمیت قدرت فیزیکی و قهرآمیز ، تأکید بر امنیت دولت و قراردادن جنگ و صلح در کانون روابط بین‌الملل ، تبعیت قواعد حقوق بین‌الملل از خواست قدرتهای بزرگ و نقش ابزاری سازمانهای بین‌المللی تجلی یافت .

سلطه رویکردواقع‌گرایی در بررسی‌های امنیتی تا پایان جنگ سرد کمابیش تداوم یافت ، اما به تدریج درباره توان این نظریه برای بررسی همه ابعاد امنیت ملی کشورها تردیدهایی جدی به وجود آمد ، بویژه اینکه واقع‌گرایی بیشتر برای بررسی همه ابعاد امنیت ملی کشورهای توسعه یافته و کشورهای طراحی شده است که با آسیب‌های داخلی روبرو نیستند و قادر نیست درباره مسائل امنیتی کشورهای در حال توسعه تبیین جامعی ارائه کند . از این رو ، نظریه‌های امنیتی نوینی طرح شد که بتوانند مشکلات و چالش‌های امنیتی کشورهای در حال توسعه را نیز با توجه به نوع متفاوت دولت و مسائل داخلی پوشش دهد . از جمله رویکردهای نظری جدید می‌توان به « مکتب کپنهاگ » اشاره کرد که در این مکتب نویسنده‌ای چون « باری بوزان » ، در پی ارائه چهارچوبی نوین برای تحلیل امنیت است .

از نظر مکتب کپنهاگ اگر چه امنیت فردی گویای سطح مشخص و مهمی از تحلیل سیاست است ، افراد نمی توانند به عنوان مرجع امنیت شناخته شوند . این مکتب با رد فرد محوری در مرجع امنیت ، تمرکز خود را روی دولت به عنوان محور امنیت قرار می دهد و معتقد است دولتها به دلیل اقتدار سیاسی و درخواست وفاداری سیاسی ، بر ابزارها مسلط هستند . (مشیرزاده ، ۱۳۸۶ : ۲۲۲)

مکتب کپنهاگ از مفهوم « تهدید وجودی » به عنوان مفهومی کانونی برای بررسی های امنیتی استفاده می کند . این مفهوم ناظر بر تهدیدهایی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می اندازد و آن را با خطر اضمحلال ، تخریب یا آسیب جدی روبرو می کند . (بوزان ، ۱۳۸۶ : ۴۷)

نظریه پردازان مکتب کپنهاگ بر اساس مفهوم تهدید وجودی ، موضوع یا هدف ، مرجع امنیت در بخش های پنج گانه نظامی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و زیست محیطی را تعیین می کنند .

در بخش نظامی ، موجودیت مورد نظر یا تهدید شده غالباً دولت است . هم چنین می توان وضعیت را تصور کرد که در آن تهدیدهای به وجود آمده برای بقای نیروهای مسلح موجب شود ، خود این نیروها مستقلاً به یک موجودیت در بحث امنیت تبدیل شوند .

دستور کار امنیت نظامی عمدتاً حول توانایی حکومتها برای حفاظت از خودشان در برابر تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی دور می زند . علاوه بر این می تواند متضمن کاربرد قدرت نظامی در برابر تهدیدهای غیر نظامی - که متوجه موجودیت آنهاست - هم باشد .

دربخش سیاسی ، از دیرباز تهدیدهای وجودی بر حسب اصل سازنده و اساسی این بخش یعنی حاکمیت و گاه نیز ایدئولوژی دولت تعریف شده است . هرچیزی که در شناسایی ، مشروعیت یا اقتدار حاکمه دولت تردید کند می تواند تهدیدی وجودی برای حاکمیت باشد .

تهدید وجودی در بخش سیاسی می تواند فاعل محور یا ساختار محور باشد . به عبارت دیگر ، می تواند از یک عامل خارجی یا داخلی یا از ماهیت دولت نشأت بگیرد . (همان، ص ۵۲)

در بخش اقتصادی ، مشخص کردن موجودیت‌های مورد تهدید و تهدیدهای وجودی دشوارتر است . اقتصاد کل کشور را بهتر می‌توان موضوعی امنیتی دانست ولی در عمل ، تهدید بقای اقتصاد ملی (ورشکستگی ملی یا ناتوانی از تأمین نیازهای اساسی مردم) به ندرت مستقل از بسترهای امنیتی فراخ تر مانند جنگ اتفاق می‌افتد . خوب یا بد عمل کردن اقتصاد ملی را نمی‌توان تهدیدی وجودی به شمار آورد جز در صورتی که بقای مردم کشور در معرض خطر باشد .

برای بررسی تهدیدهای خارجی معطوف به امنیت رژیم اسرائیل ، رویکردهای سنتی مانند واقع‌گرایی به دلیل دیدگاه تک بعدی و نادیده انگاشتن ویژگی‌های داخلی رژیم برای مثال ویژگی‌های اجتماعی و مذهبی و نوع نظام سیاسی نمی‌تواند چندان مفید باشد . از اینرو چهارچوب نظری مکتب کپنهاگ با رویکرد جامعی که به امنیت ملی دارد و با در نظر گرفتن ویژگی وابعاد مختلف ، برای پژوهش حاضر مناسب تر تلقی می‌شود .

بنابراین امنیت نظامی رژیم اسرائیل را می‌توان اینگونه تعریف کرد : نبود تهدیدهای نظامی داخلی و خارجی علیه ارزشهای مادی و معنوی و عدم احساس ترس از تهدید آنها .

امنیت سیاسی عبارت است از : ثبات سازمانی و ساختاری رژیم ، نظام حکومتی و ایدئولوژی مشروعیت بخش به رژیم و نظام حکومتی آن .

امنیت اقتصادی را نیز می‌توان به این صورت تعریف کرد : توانایی تأمین نیازهای رفاهی و اقتصادی جامعه و مردم ، توسعه صنعتی ، فناوری ، اقتصادی و تجاری از طریق حفظ اصول سازمان دهنده و ساختار نظام اقتصاد ملی و دسترسی آزاد به منابع ، سرمایه و بازار جهانی و عدم آسیب پذیری در مقابل تهدیدهای ساختاری و کارگزاری اقتصادی .

علل انتخاب موضوع و اهمیت موضوع :

مصر کشوری با اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک است که به دلیل هم مرز بودن با اسرائیل دارای اهمیت زیادی در استراتژی خاورمیانه‌ای قدرت‌های بزرگ بالاخص آمریکاست . این هم مرزی اهمیت

مصر را دو چندان نموده است . با توجه به اینکه مصر هم پیمان منطقه‌ای و شریک استراتژیک اسرائیل بوده است با سقوط مبارک که سال ها توانست پیمان کمپ دیوید را حفظ کند و محیط امنی را در مرزهای خود با اسرائیل بوجود بیاورد بطوریکه اسرائیلیان از او بعنوان « گنج استراتژیک » نام می‌بردند ، یقیناً اسرائیل را متحمل آسیب‌های فراوانی خواهد نمود .

علل انتخاب این موضوع نیز پرداختن به آسیب‌هایی است که با تحولات مصر امنیت اسرائیل را تهدید می‌کند .

اهداف کلی پژوهش :

هدف کلی این پژوهش درک هر چه بهتر جایگاه مصر در امنیت اسرائیل بعنوان کشوری قدرتمند که هم از موقعیت ممتاز جغرافیایی و ژئوپلیتیکی برخوردار است و هم پیشینه تمدنی عظیمی را در میان کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال افریقا داراست ، این کشور سالیان متمادی هم پیمان منطقه‌ای رژیم‌ی بوده است که بیشتر نا آرامی‌های این منطقه را رقم زده است و خواهد زد . هدف اصلی این پژوهش درک تهدیداتی است که با انقلاب مصر در کوتاه مدت و درازمدت چالش‌های امنیتی فراوانی را برای اسرائیل در پی خواهد داشت .

پیشینه تحقیق :

مقالات فراوانی در خصوص تغییرات در کشورهای عربی بالخصوص مصر و تأثیر آن بر امنیت اسرائیل نوشته شده و همینطور آثار پژوهشی فراوانی نیز در خصوص نقش مصر در قضیه فلسطین پرداخته شده است . بطور مثال : (کتاب بررسی روابط مصر و حماس (۲۰۰۹ - ۲۰۰۵)) ، در این کتاب نویسنده در ابتدا به بیان عواملی پرداخت که تعیین کننده اصلی نقش مصر در قضیه فلسطین است . در ادامه این کتاب به بررسی شاخصه‌های روابط نظام حاکم بر مصر با جنبش حماس و تحولات مربوط به آن به خصوص در مدت زمان پس از مذاکره بین فلسطینی‌ها در قاهره در مارس ۲۰۰۵ تا

اوایل سال ۲۰۰۹ پرداخته است و نقش مصر را در موضوعاتی نظیر : گفت و گوی ملی فلسطینی ها ، آرامش و تبادل اسراء مورد تحلیل قرار داده و به تشریح مواضع رسمی این کشور در قبال پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی فلسطین و سیطره آن بر نوار غزه و سپس محاصره شدید این منطقه توسط اسرائیل و تجاوزات نظامی اسرائیل به نوار غزه پرداخته است .

در خصوص مسائل مربوط به قدرت مقاومت در غزه مقاله‌ای نوشته شده است با عنوان (بشکه باروت در غزه) ، نویسنده این مقاله میکائیل هرزوق است . نویسنده در این مقاله بیان می‌دارد که گروههای جهادی در غزه در سالهای اخیر به قدرت فراوانی دست یافتند . او در مقاله خود به اقداماتی که بر ضد امنیت اسرائیل توسط این گروه ها انجام می‌شود هشدار می‌دهد و توصیه می‌کند که اسرائیل با کمک متحدان خود باید در پی تحمیل فشارهای بین المللی بر این گروه‌ها برآید . در رابطه با تحولات منطقه و تأثیر آن بر امنیت اسرائیل نیز مقالات پژوهشی زیادی نوشته شده است . یکی از این مقالات توسط بنی موریس به رشته تحریر درآمده است با عنوان (بهار عربی و امنیت اسرائیل) ، نویسنده در این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد که با امضای معاهده کمپ دیوید رژیم اسرائیل با کنار گذاشتن مهم ترین کشور عربی تهدیدگر و اطمینان یافتن از امنیت مرزهای خود به مقابله با تهدیدات دیگر پرداخته است . نظیر : حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق ، حمله به راکتور هسته‌ای سوریه و حمله به لبنان . اما بهار عربی در کشورهای منطقه و بالاخص مصر معادلات امنیتی اسرائیل را دگرگون کرد و امروز اسرائیل نه تنها از جانب کشورهای دیگر بلکه از جانب مصر هم که زمانی مهم ترین متحد اسرائیل بود احساس خطر می‌کند .

مقاله دیگر با عنوان (بیداری اسلامی در جهان عرب و امنیت رژیم صهیونیستی) ، نوشته علی اکبر اسدی که در این مقاله شده که موقعیت امنیتی اسرائیل را از زمان تشکیل تا زمان معاهده کمپ دیوید و پس از آن بررسی شود . او به بررسی تحولات بهار عربی در حوزه مصر ، سوریه ، فلسطین و سایر کشورهای عربی می‌پردازد و درصدد است تا براینده این تحولات بر امنیت اسرائیل

را بررسی کند .

محمود محارب نویسنده مقاله‌ای دیگر با نام (اسرائیل و انقلاب مصر) است در این مقاله نویسنده به ارزش استراتژیک مصر برای اسرائیل و دلایل اهمیت این کشور در استراتژی اسرائیل می‌پردازد و در ادامه به خطراتی اشاره می‌کند که با انقلاب مصر در کوتاه مدت و دراز مدت در انتظار رژیم اسرائیل خواهد بود .

سوال اصلی پژوهش :

تحولات اخیر مصر چه تاثیری بر امنیت اسرائیل خواهد داشت ؟

فرضیه تحقیق :

تحولات اخیر مصر اسرائیل را از جهات امنیتی دچار مشکل خواهد کرد .

متغیرهای پژوهش :

متغیر مستقل : تحولات مصر

متغیر وابسته : امنیت اسرائیل

روش تحقیق :

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تبیینی و علی انجام شده است . مطالب و اسناد پس از جمع آوری مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند . در جمع آوری منابع نیز از مطالب کتابها ، مقالات ، پروژه‌های پژوهشی و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است .

محدودیت تحقیق :

علیرغم وجود منابع فراوان در خصوص روابط مصر و اسرائیل و همچنین مسئله فلسطین منابع موجود کمتر به بحث در خصوص مسئله انرژی در اسرائیل پرداخته اند عامل امنیت انرژی اسرائیل ، همیشه جایگاه بسیار مهمی در استراتژی امنیت این دولت ، داشته است اما علیرغم این اهمیت ، مطالعات و گزارش‌ها در این حوزه بسیار کم و به ندرت مشاهده می‌شود .

سازماندهی تحقیق :

این پژوهش در ۵ فصل ارائه خواهد شد :

در فصل اول به بررسی اهمیت ژئوپلیتیک مصر پرداخته می شود . در ابتدا سعی شده است به بررسی موقعیت جغرافیایی و طبیعی مصر پرداخته شود و در ادامه به بررسی سیرتاریخی و ساختار سیاسی این کشور عظیم و در آخر نیز به دلایل اهمیت مصر در منطقه خاورمیانه پرداخته می شود .

در فصل دوم به بررسی روابط اقتصادی میان مصر و اسرائیل در دوره زمانی ۱۹۴۸ تا قیام مردمی مصر در ۲۰۱۱ و سقوط مبارک پرداخته شده است . فصل سوم نگاهی به اوضاع امنیتی اسرائیل در دوره‌های زمانی قبل و بعد از تحولات مصر دارد و در آخر نیز اشاره‌ای به آثار و بازتاب‌های ژئوپلیتیکی تحولات مصر می کند . در فصل چهارم به بررسی بازار گاز اسرائیل پرداخته می شود و در ادامه نیز به قرارداد صدور گاز مصر به اسرائیل و در آخر به قطع انتقال گاز و اثرات آن بر امنیت انرژی اسرائیل پرداخته می شود . در فصل آخر نیز به بررسی تأثیرات تحولات مصر بر قدرت یابی هسته های مقاومت در فلسطین پرداخته می شود . این تز در نهایت با نتیجه گیری و کتابنامه به پایان می رسد .

فصل اول:

اهمیت ژئوپلیتیک مصر